

در باره زندگی رفیق شهید مجد رضا هدایتی



در ۱۶ دی ماه سال ۱۳۵۵، گشت های کمیته مشترک رژیم جنایتکار سلطنت در مشهد، به دو چریک فدائی خلق در خیابان طبرسی این شهر مشکوک شده و آنها را جهت دستگیری، مورد یورش خود قرار دادند. یکی از این رفقا، چریک فدائی خلق، مجد رضا هدایتی بود که در مواجهه با تعرض مزدوران ساواک پهلوی، به خاطر حفظ اسرار خلق با خوردن سیانور تلاش کرد که زنده به دست دشمن نیفتد. مزدوران شاه، رفیق مجد رضا را فوراً به بیمارستان منتقل کرده و با استفاده از امکانات پزشکی، موفق شدند تاثیر سیانور را خنثی ساخته و سپس وی را برای بازجوئی و شکنجه برای کسب اطلاعاتش به ساواک مشهد منتقل نمودند. از بدو ورود رفیق هدایتی به ساواک ، دژخیمان ساواک این چریک دلاور را تحت شدید ترین شکنجه ها قرار دادند تا اطلاعاتش را به دست آورند؛ اما او با مقاومت قهرمانانه اش دشمن را شکست داد. بطوری که چند روز بعد، رفیق در زیر شکنجه به شهادت رسید. کشتن این فرزند رشید مردم ایران توسط دژخیمان ساواک در زیر شکنجه، لکه ننگ دیگری بود که هیچ گاه از پیشانی آن رژیم پاک نشد و نخواهد شد. بعد از قیام بهمن و سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، عکسی از رفیق هدایتی ، زمانی که در ساواک مشهد زیر شکنجه قرار داشت به دست انقلابیون افتاد که آثار شکنجه کاملاً در چهره اش پیدا بود؛ این عکس، رفیق را در شرایطی نشان می داد که زیر چشمانش کاملاً کبود بود و در صورتش چند جای سوختگی با آتش سیگار به چشم می خورد. این شواهد گوشه ای از حدت وحشی گری و تبهکاری مزدوران ساواک شاه در آن دوره علیه چریکهای فدایی خلق و سایر مبارزین راه مردم را نشان می داد.

در زمان سلطنت شاه و به خصوص در دهه پنجاه و با آغاز جنبش مسلحانه در ایران، در شرایطی که رژیم شاه در تداوم این جنبش، چشم انداز مرگ خود را می دید، اعمال شکنجه های وحشیانه و کشتن زندانیان در زیر



شکنجه امر نادری نبود. رژیم شاه که می دید رشد و گسترش جنبش مسلحانه برغم تمام سرکوبها، با حمایت معنوی و مادی مردم روبرو شده و زنگ پایان دوران زندگی اش را به صدا درآورده ، همچون خرس زخمی به هر جنایتی متوسل می شد تا این جنبش را سرکوب و سلطه استثمارگرانه خود را طولانی تر نماید. لیست اسامی انقلابیونی که به دست دژخیمان ساواک در زیر شکنجه جان باختند خود گویای این تلاش مذبحخانه و جلوه آشکاری از مقاومت خلقی بود که برای آزادی بپا خاسته بود؛ خلقی که می رفت در این نبرد مرگ و زندگی با انداختن رژیم سلطنت پهلوی به زباله دان تاریخ ، بر سلطه این رژیم جنایتکار نقطه پایانی بگذارد؛ خلقی که می دانست برای رسیدن به این هدف ، دادن قربانی هائی بیشمار اجتناب ناپذیر است؛ خلقی که سرانجام در جریان انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ با الهام از مبارزات چریکهای فدایی خلق و سایر سازمانهای مبارز، نقطه پایانی بر پرونده سراسر جنایت خاندان پهلوی گذارد.

رفیق مجد رضا هدایتی اهل بروجرد و دانشجوی سال چهارم راه و ساختمان در دانشگاه علم و صنعت بود که یکبار در تیر ماه سال ۱۳۵۲ توسط ساواک دستگیر و شیوه های برخورد جنایتکارانه دژخیمان ساواک را با پوست و گوشت خود تجربه کرده بود. وی پس از گذراندن دو سال محکومیت به حبس، در شهریور سال ۱۳۵۴ از زندان آزاد شد. آنچه وی در زندانهای شاه دیده و تجربه کرده بود تنها عزمش را به مبارزه برای سرنگونی این رژیم ددمنش فزونی بخشید. به همین دلیل هم در زمان آزادی، در جستجوی راهی برای پیوستن به سازمان چریکهای فدائی خلق بود که سرانجام این راه را پیدا و توانست در ارتباط با سازمان قرار گیرد. اما متأسفانه در جریان اعزامش به مشهد دستگیر و زیر شکنجه به شهادت رسید. ساواک مشهد ، مرگ این چریک فدائی در زیر شکنجه را در تاریخ ۲۴ دی ماه سال ۵۵ چنین به ساواک مرکز گزارش داده است: "هدایتی خرابکار دستگیر شده از ۴۸ ساعت قبل به علت ناراحتی داخلی طبق تجویز پزشک به وسیله سرم غذایی نگهداری می شد؛ لیکن در شب گذشته به طور ناگهانی به حالت اغما در آمد که به بیمارستان اعزام و درگذشت". جالب است که علیرغم این همه جنایت، باز هم سلطنت طلبان بیشرم و حامیان سینه چاک سلطنت پهلوی می کوشند تا بر بستر جنایات انجام شده توسط فرزند خلف ساواک یعنی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، خود را دمکرات معرفی کرده و با فریب مردم تلاش می ورزند تا نظر اربابانشان را برای دو باره به قدرت رسیدن جلب کنند تا با ریختن خون جوانان مبارزی نظیر رفیق مجد رضا هدایتی بار دیگر بساط دار و شکنجه را در این فلات خونین بر قرار سازند.

باد رفیق مجد رضا هدایتی گرامی و راهش بر رهرو باد!